

## شعله‌های نامیرا (بخاریهای قدیمی)

دریامهر کشانی  
کارشناس ارشد

از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست

### مقدمه

پس از مهاجرت قوم آریا به ایران، علاوه بر تغییراتی که به اقتضای محیط در روایات قدیم پدید آمد به تدریج داستانها و روایات دیگری نیز میان این قوم به وجود آمد که سینه به سینه گشته، بر اثر تسلسل روایات در هر یک تغییراتی ایجاد شده است. همانطور که گفتیم نقش آتش در میان ایرانیان از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. ایرانیان باستان آتش را نمی‌پرستیدند اما همواره برای آنان ارزش حیاتی داشته است. بزرگ‌ترین مسئله‌ای که در آبان یشت مورد توجه قرار گرفته و داستان هوشنگ، جمشید، ضحاک، فریدون و ... است که داستان هوشنگ به دلیل کشف آتش توسط او از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. شروع داستان شاهان از نخستین بشر (کیومرث) با نخستین شاه (هوشنگ) آغاز شده است و ایرانیان کهن بین دوره‌های اساطیری و تاریخی برای هیچ کدام امتیازی قائل نبوده‌اند و دوران اساطیری را مانند دوران تاریخی تصور می‌کردند. بنابراین

داستان کشف آتش جنبه کاملاً تاریخی و واقعی برای ایرانیان داشته است، آتش بنابر تعریف محمد معین در فرهنگ معین به جسمی دارای روشنایی و گرما که از سوختن چوب و ذغال و مانند آن پدید آمده اطلاق می‌شود و آن را یکی از عنصرهای بسیط چهارگانه می‌پنداشتند. در گذشته آتش‌افروزی و روشن کردن آتش از جمله افتخارات مردم محسوب می‌شد، کسی که در جشنها مخصوصاً جشن آخر سال و نوروز خود را آرایش کرده و آتش روشن می‌کرد را آتش‌افروز و کسی که از آتش نگهداری و پاسداری می‌کرد آتشیان می‌نامیدند.

به بخاریهای کنار خانه‌ها و دورن آنها آتشیان می‌گفتند، یعنی جایی که آتش روشن می‌نمودند تا برای گرما و روشنایی منزل از آن استفاده کنند. در آتشکده‌ها ظرفی مخصوص به نام آتشدان وجود داشت که آتش مقدس در آن نگهداری می‌شد. با توجه به اهمیت آتش نزد ایرانیان اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فراوانی در مورد آتش، اجاق، خانه و ... وجود دارد. مثلاً: ضرب‌المثلی هست که می‌گوید: «اجاقش خاموش است». یا اینکه «انشاءالله اجاق خانه‌ات روشن باشد و ...».

مانند این ضرب‌المثلها در ادبیات فارسی ایران بسیار است، با توجه به مهاجرت این قوم و طولانی بودن زمستان در مقابل تابستان، حفظ آتش و داشتن مکانی برای آتش از جمله اولویتهای هر ایرانی بوده است. مهاجرت آریایی‌ها از آیرانه ووجه به داخل فلات و برگزاری جشنهای فراوان، از جمله جشنهایی که به نیایش عناصر الهی مربوط بوده، جشن سده (سدک) و سایر جشنها با آتش و مقدس بودن آن ارتباط داشته است. از جشنهای دیگر که اهمیت آتش در آن زیاد است جشن آذرگان بوده است. آذر به معنی آتش است و ایرانیان در روز جشن آذرگان یا آذر جشن که در روز آذر از ماه آذر انجام می‌شود به آتشکده‌ها رفته، به پرستش اهورای یکتا می‌پرداختند و در ۵ روز آخر سال مراسم گه‌نبار پنجه برگزار می‌شد و شب آخر سال در پشت بامها آتش می‌افروختند و چراغی بر لبه بام خود می‌گذاشتند که تا بامداد روشن بود. سحرگاه روز اول عید در پشت بامها برای بار دیگر آتش‌افروزی می‌کردند و با زمزم اوستا به هم می‌آمیختند و افراد با دیدن شعله‌های لرزان آتش در هوای سحرگاهی و آهنگ موزون اوستا به وجد می‌آمدند. جشن سده یکی از جشنهای بزرگ و با عظمت ایران باستان و جشن پیدایش آتش بوده است.



پیدایش آتش و اهمیت آن نزد ایرانیان به اندازه‌ای بوده که برای حفظ این خاطره کهن جشن سده را بنا نهادند. روایات ایرانی آن را به هوشنگ، پادشاه پیشدادی نسبت می‌دهند، خوب است که شرح بنیان‌گذاری این جشن را از زبان شاعر ایرانی، فردسی بشنویم. این شاعر نامدار در شاهنامه ضمن توصیف پادشاهی هوشنگ پیشدادی چنین می‌گوید:

یکی روز شاه جهان سوی کوه	گذر کرد با چند کس هم گروه
پدید آمد از دور چیزی دراز	سیه رنگ و تیره تن و تیزباز
دو چشم از بر سر چو دو چشمه خون	زدود دهانش جهان تیره‌گون
نگه کرد هوشنگ با هوش و هنگ	گرفتش یکی سنگ و شد پیش جنگ
به زور کیانی میازید دست	جهانسوز مار از جهانجوی جست
برآمد به سنگ گران سنگ خرد	هم آن و هم این سنگ گردید خرد
فرودی پدید آمد از هر دوسنگ	دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ
نشد مار کشته ولیکن زراز	پدید آمد آتش از آن سنگ باز
جهاندار پیش جهان آفرین	نیایش همی کرد و خواند آفرین
که او را فروغی چنین هدیه داد	همین آتش آنگاه قبله نهاد
بگفتا فروغی است این ایزدی	پرستید باید اگر بخردی
شب آمد برافروخت آتش چو کوه	همان شاه در گرد او با گروه
یکی جشن کرد آن شب و باده خورد	سده نام جشن فرخنده کرد
زهوشنگ ماند این سده یادگار	بسی باد چون او دگر شهریار

روش برگزاری جشن سده بدین صورت بود که کوهی از هیزم و خار و خاشاک تهیه می‌کردند و در روز دهم بهمن ماه همراه با ساز و آوازه‌ها هنگام غروب آفتاب در حالی که موبد لاله روشنی به دست و زمزمه اوستا بر زبان داشت دور کوه هیزم می‌گشتند و در حین سرودن نیایش، هیزم را آتش می‌زدند. آتش به تدریج شعله‌ور می‌شد و به سوی آسمان شعله می‌کشید. با افروخته شدن آتش مردمی که به دور آن حلقه زده بودند شادی می‌کردند. در واقع این جشن به

یاد آن کشف بزرگ هوشنگ در مورد آتش بوده است. با دقت در آثار به جای مانده از دوره‌های کهن به جایگاه بخاریها و مکان تعیین آنها در ساختمانها می‌رسیم.

از جمله اسناد تاریخی برای اهمیت آتش و جایگاه آن نزد ایرانیان اوستاست. در مهم‌ترین بخشهای اوستا به اهمیت آتش بسیار اشاره شده است. در منظومه یادگار زریر در شماره‌های ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم، ابتدای مجله سخن با مقدمه و مقایسه دقیق آن با گشتاسپنامه دقیقی، نکاتی در مورد آتش وجود دارد. در این کتاب ویشناسپ به زریر فرمان داد: بگو بغان - آتش بفرمای کردن - به شهر و پهلوانان - بگوی که به جز مغ مردان - که آتش بهرام - ستایند و نگاه دارند - از ده تا هشتاد سال - هیچ مرد نباید ..... و یا در شاهنامه آتش به عنوان سمبلهایی از پاکی، نجابت و ... مورد استفاده قرار گرفته که فردوسی در داستان سیاوش برای اثبات پاکی و نجابت و معصومیت او به گذر سیاوش از آتش اشاره می‌کند که این نشان‌دهنده اهمیت این عنصر در نزد ایرانیان باستان بوده است.

اهمیت بخاریهای دیواری در دوران ساسانی بیشتر شده است. همانطور که می‌دانیم در زمان ساسانیان، دین زرتشت دین می‌گردید و در همه جا معبدهای آنان قرار داشت که در آنها آتش نگهداری می‌شد. در آرتورپاتکان (آذربایجان) آتش شاه و سپاهیان در پارس آتش مغان و در خراسان آتش دهقانان، سه آتشکده اساسی بودند و با توجه به این مسئله تمام ایرانیان در خانه‌های خود جایگاهی بس مهم برای نگهداری آتش داشته‌اند. به جز این جایگاه که معمولاً پدر نگهدار آن بود بخاریهای دیواری (شومینه) در شاه‌نشین خانه‌ها وجود داشت که در بهترین مکان خانه بنا می‌شد. طرح این بخاریهای دیواری شبیه محرابهای دوره صفویه بود. در واقع محرابها از نظر فرم به ساختار بخاریهای دیواری کهن شباهت داشتند. با توجه به اهمیت بخاریهای دیواری نزد ایرانیان تزئینات و زیبایی این بخاریها از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. در دوران پیش از اسلام نیز از کاشیهای رنگین برای تزئین بخاریها در منازل استفاده می‌شد.

در میان نقوش برجسته می‌توان شیر، گاو نر و جانوران عجیب‌الخلقه‌ای را مشاهده کرد که شکلی نسبتاً طبیعی دارند. در بعضی از نقوش، پادشاهان با شیرها در حال جنگند و مراسم مذهبی

نیز در برخی از این بخاریها دیده می‌شود، در دوران اسلامی نقشهای بخاریها از تصاویر انسانها و حیوانات به طرحهای اسلیمی و گل و گیاهان جادویی تبدیل شد.

اهمیت آتش نزد ایرانیان بسیار زیاد بوده است اما آنان هرگز آتش را پرستش نمی‌کردند و مذهب آنان مبنی بر توحید بوده است. زرتشت وجود خدای برتر از همه به نام اهورامزدا را به مردم اعلام داشت و او را خالق آسمان و زمین و بشر معرفی کرد. اهورامزدا عامل تقدس بود. راستی و خوبی و دلیری را دوست می‌داشت و پیوسته با قوای تاریکی و بدی می‌جنگید.

گهگاه اهورامزدا را با علائم رمزی و تصویرهایی معرفی می‌کردند، اما بیشتر اوقات او را بر فراز تپه‌ها با افروختن آتش و خواندن دعا و تقدیم نوشیدنیها ستایش می‌نمودند و آتش به دلیل روشنایی و زیبایی در دل شبهای تاریک اهمیت داشته است. اگر انسان آتش را اختراع نکرده بود و راه به دست آوردن آسان آن را فرا نگرفته بود صنعتهای مختلف نیز شکل نمی‌گرفت. ایرانیان فن درست کردن آتش را به مرحله کمال رسانیدند و با آتش بزرگ‌ترین دشمنی خود یعنی تاریکی شب را شکست دادند و از آن استفاده حرارتی نمودند و توانستند نواحی سردسیر خود را برای زندگی مهیا نمایند. با آتش فلزات را نرم و چکش‌خوار نمودند. همان‌طور که ما می‌بینیم در ایران باستان صنعتگری رواج بسیار داشته است و ایرانیان مصنوعات خود را به سراسر جهان می‌فرستادند و این معجزه طبیعی را ستایش می‌نمودند. جشنهای متعددی برای آتش برپا می‌کردند و آن را مرکز زندگانی و خانه خویش قرار می‌دادند. نگاهی از آتش نیز از جمله کارهای مهم و بزرگ محسوب می‌شد. در خانواده ایرانی جایگاه آتش و نگهداری از آن فقط مربوط به فصل سرما نبود بلکه در تمام مدت سال جایگاهی ویژه برای این معجزه مهم و ارزشمند داشتند و به دنبال آن داشتن مکانی برای نگهداری آتش در تمام خانه‌ها از واجبات محسوب می‌شد. در قسمتهای بعدی این مقاله به نحوه چیدن مواد سوختی در بخاری و کارکرد آن برای ایرانیان و تزئینات آن خواهیم پرداخت. معمولاً زنان در معابد، نگهبان آتش بوده‌اند که کاری بس دشوار و پر مسئولیت برای فرد محسوب می‌شد. مرکز اجتماع خانواده، آتشدان بود و سعی بر این بود آتش خانوادگی هیچگاه فسرده نشود. این کار از واجبات هر خانواده محسوب می‌شد که برخی دلایل

آن را ذکر کردیم. آتش خاموشی ناپذیر آسمان، یعنی خورشید، را به عنوان مظهر یافته و اهورامزدا را پرستش می‌کردند.

در کتاب مقدس کهن چنین آمده است: «خورشید صبحگاهی باید که تا نیمروز تقدیس شود و خورشید نیمروز را باید که هنگام پسین تقدیس کرد و خورشید پسین تا شامگاه تعظیم شود... و آنان که به بزرگداشت خورشید برنخیزند کارهای نیکشان در آن روز به حساب نخواهد آمد».

برای خورشید و آتش و اهورامزدا ارزش بسیاری قائل بودند. در جایی دیگر از کتاب مقدس آمده است: «... هر آینه جایی که مرد مقدس خانه‌ای بسازد که دارای آتش، گوسفند و گاو و زن و فرزند و اهل بسیار باشد، پس از آن گاو و گوسفند بسیار و آرد بسیار و علف بسیار و سنگ بسیار و بچه‌های بسیار و آتش و بساط و اسباب زندگی خوب بسیار باشد...» در این جمله می‌توان به اهمیت آتش نزد ایرانیان پی برد و وجود بخاریها و شومینه‌های بسیار (فضای مناسب برای نگهداری آتش) را جزء ارکان اصلی هر خانه لحاظ کرد. آنچه مهم و مسلم است این است که آتش از قدیم‌الایام میان آریایی‌ها مورد احترام و ستایش بوده، بیش از زرتشت اهمیت و مقام خاصی داشته است و از روی وداها این موضوع را می‌توان یافت و این کنایه‌ای است برای نشان دادن عظمت و مقام آتش و آن نیز سندی است بر این موضوع که شومینه ریشه‌ای کاملاً ایرانی داشته و از ایران به فرهنگهای دیگر منتقل شده و در عصر کنونی به صورت ناموزون از فرهنگهای دیگر بر ما وارد شده است که ریشه اصلی آن از ایران بوده است.

در گاتاها، یسناها - چهل و سوم، سه نهم از آتش و احترام آن و اینکه نشانه ایزدی است (به علت پاک‌کنندگی آلودگیها و...) سخن رفته است و این قدیمی‌ترین ذکر آتش در اوستاست. در سراسر اوستا به آتش درود فرستاده، آتش سرور راستان، یار سپنتامینو و خصم اهریمنان و دیوان است و در روایات متأخر مذهبی موارد بسیاری وجود دارد که آتش، عنصر نیکی است و اهریمنان بدکردار را نابود می‌کند. همان‌طور که در داستان سیاوش می‌خوانیم، برای سنجش پاکی و درستی افراد آنان را از آتش عبور می‌دادند و آتش، نیکان را سالم و بدان را می‌سوزانیده است، چون اغلب استامشاسپندان که یشتی ویژه ندارند، آذر نیز دارای یشتی جداگانه نیست زیرا آتش



مورد احترام است نه آنکه پرستیده شود زیرا تنها دینی که در روزگار کهن یکتاپرست بوده، دین زرتشت است ولی در همه جای اوستا کراراً از این آذر به نیکی و علو مقام یاد شده است. اساطیر و افسانه‌های بسیاری در مورد آتش در فرهنگ ایرانی وجود دارد که اهمیت آن را بر ما روشن می‌سازد و در اساطیر ایرانی آتش و آفرینش آن دارای روایات افسانه‌ای فراوان است و چون ایرانیان آتش را گرمی می‌داشتند به عقیده آنان آتش مظهر و نشانه خدا بر روی زمین است که در خانه مردمان پارسا و پاکدل مسکن می‌کند و در عهد باستان برای آتش که با چوب و عطر در آتشدانها و بخاریهای دیواری نگاهداری می‌شد احترام فراوانی قائل بودند. در افسانه‌های ایرانی از چند نوع آتش نام برده می‌شود، به این ترتیب: «به ره زی سه و نه» (Berezisavanh) یا «بسیار سودمند» که نام کلی آتش بهرام، یعنی آتشی که همواره نزد اهورامزدا روشن است، دوم «وهوفریانه» (Vohufryana) یا «نیک یار» که آتش عزیز است که در بدن آدمیان و چارپایان فروزان است و آنها را همواره گرم نگاه می‌دارد. سوم «اوروازش ته» (Urvazishta) یا «شادی‌افزا» آتشی که در گیاهان اشتعال دارد و در نتیجه سایش، شعله برمی‌انگیزد. چهارم «وازش ته» (Vazishta) یا «آتش برق» که آسمان و برقی است و گنبد نیلی را به پاکی می‌گرایاند و سرانجام «سپن جفریه» (Spenjafrya) آتشی که دیو پلید را نابود می‌کند و «سپه نیش ته» (Spenishta) یا «بسیار مقدس» که در مینو جهان برابر اهورامزدا پرتو می‌افکند. در ایران بخاریها را در بهترین مکان بنا می‌کردند، در جایگاهی که افراد پشت به آتش نکنند. در واقع بخاریها در شاه‌نشین منازل قرار داشتند. در دوران اشکانیان بخاریها با رنگهای متنوع و بیشتر به رنگهای قرمز اخراپی، زرد و آبی به چشم می‌خورد که رنگ زرد و قرمز قالب بود. معماری ایران در سده‌های ۹-۱۱ میلادی پیشرفت زیادی کرد و در بخاریها شکلهای چهارگوشه و مستطیلی دیده شد و طول آنها بلندتر شد. خشت پخته در ایران از مصالح عمده‌ای تشکیل می‌شد که در ساخت بخاریهای دیواری به کار می‌رفت و چنانچه جغرافی‌نویسان سده دهم میلادی خبر می‌دهند بیشتر خانه‌های شهری با گل و خشت خام ساخته می‌شد. بخاریها از درون و بیرون با خشت پخته کنده‌کاری و در برخی موارد گچ‌بری و با طرحهای گیاهی و حیوانی تزئین می‌شدند. در دوران صفویه آرایش بخاریهای دیواری (شومینه‌ها) از کاشیهای لعاب‌دار رنگین و یا نقش و نگارهای رنگارنگ بر روی گچ و

آهک بوده است که این رنگها و طرحهای دوران صفویه یادآور رنگها و طرحهای دوره اشکانی است. طرح روی شومینه‌ها در دوران سلجوقیان و ایلخانیان بیشتر حالت آجری داشته و نمونه‌هایی از آنها بر روی آجر حک شده است اما در دوران صفویه که کاشیهای لعابدار مورد استفاده بسیار قرار گرفته معمولاً در شهرهای اصفهان، کاشان، نائین، شیراز، کرمان، یزد و مشهد مورد استفاده بسیار بوده است. زیرا در این دوران سفال‌سازی و کاشی‌کاری ایران به شکوفایی رسیده است. از دوران قاجار به بعد طرحهای ایرانی رنگ می‌بازد و جای خود را به بخاریهای اروپایی با فرمی نامتعادل و وارداتی از این کشورها می‌دهد، شومینه‌سازی ایران از بین رفته، سبک ایران و اروپا به وجود می‌آید. در کشورهای اروپایی شومینه‌ها در منزل اشراف و قصرها قرار داشت در حالی که در ایران همه مردم در هر جایگاه اجتماعی که قرار داشتند به علت سابقه تاریخی و اهمیت آن در خانه‌های خود شومینه (بخاری دیواری) داشتند. معمولاً در شومینه‌های ایرانی نحوه چیدن چوبها با شومینه‌های اروپایی متفاوت بود. در شومینه‌های ایرانی چوبها را به صورت عمودی می‌چیدند و از چوبهای معطر استفاده می‌کردند. برخی از بخاریهای ایرانی بدون دودکش بودند و از طریق عبور جریان هوا در دو سمت بخاری هوا تهویه می‌شد. اکثر خانه‌های ایرانی دارای سقفهای بلندی بودند که این موضوع به جریان و عبور حرارت کمک می‌کرد. در بخاریهای ایرانی با حداقل انرژی حداکثر گرما تولید می‌شد (نقشه بخاریهای ایرانی در فیلم موجود است). در دوران صفویه در اصفهان و فارس جهت گرمایش از بخاریهای دیواری بهره می‌بردند. در بیشتر شومینه‌های ایرانی (بخاریها) از ذغال آماده استفاده می‌شد که در درون آن قرار می‌دادند، سیستمهای گرمایی در ایران کمتر پاسخگوی نیازهای واقعی مردم بوده است. در آن دوران مواد سوختی بیشتر حالت فسیلی داشته زیرا از نظر مواد سوختنی از قبیل چوب کمبود وجود داشته است. در عصر حاضر و از دوران قاجار بخاریهای دیواری بیشتر جنبه تزئین داشته، در اتاق پذیرایی ساخته می‌شدند (با فرم و معماری اروپایی) و بیشتر از کرسی برای گرم کردن استفاده می‌نمودند و به علت اینکه بخاریها جنبه تشریفاتی بیشتری در منازل داشتند، زیباترین هنر گچ‌بری و کاشی‌کاری در آن استفاده شده است.



جنبه تزئینی بخاریها از دوران صفویه رواج بیشتری پیدا کرد و طبق سنت کهن در منازل ساخته شد که گاهی کمتر مورد استفاده قرار می‌گرفت. افراد خانواده در مکان تجمع آتش دور هم جمع می‌شدند و پدر خانواده در اتاق پذیرایی در قسمت بالا می‌نشست و افراد خانواده گرد او در کنار آتش جمع می‌شدند و خاموشی آتش در خانه نشان از بدبختی و کمی خانوار و ... داشته است به طوری که یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: «فلان شخص اجاقش کور است»، یعنی صاحب اولاد نمی‌شود. از این نوع ضرب‌المثلها در فرهنگ ایرانی بسیار زیاد است. اجاقهایی که به صورت مستقل در خانه‌ها وجود داشتند بخاریهای اولیه‌ای هستند که در چغازنبیل نمونه آنها را می‌بینیم، با توجه به اینکه کشور ایران از نظر پوشش گیاهی ضعیف است و در ناحیه‌ای نسبتاً خشک واقع شده با کمبود سوخت مواجه هستیم. در گذشته بیشتر از خار برای گرما استفاده می‌نمودند و کمتر از چوب بهره می‌گرفتند بنابراین ساختار بخاریهای ایرانی متناسب با ساختار خار و خاشاک است و گاه از ریشه چوبهای محکم و خارهای سخت استفاده می‌کردند زیرا قدرت ماندگاری بیشتری نسبت به چوب درخت داشته است. معمولاً از کنده درختان استفاده می‌کردند به طوری که ضرب‌المثل: «دود از کنده بلند می‌شود» نیز گویای این مطلب است. کنده، پیچیده و محکم است و مدت زمان زیادی می‌سوزد. در دوران جدید با از بین رفتن جنگلها با مشکل کمبود چوب مواجه هستیم. معماری کهن ایرانی به صورتی بوده که با کمترین مواد سوختنی بیشترین انرژی حاصل می‌شده و بعد از اسلام در دوران صفویه اوج این خلاقیتها بوده است. در دوران پیش از اسلام، دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی طرحهای جدیدی از بخاریهای (شومینه‌ها) دیواری به وجود آمد. در حال حاضر بناهای بسیار کمی از دوران قبل از اسلام وجود دارد که متأسفانه همان بناهای اندک نیز به علت بی‌توجهی مسئولین میراث فرهنگی به سرعت در حال نابودی است و راه را برای تحقیقات بیشتر خواهد بست. نابودی بناها توسط اعراب از یکسو و نابودی بناهای به جای مانده توسط خود ما از سوی دیگر باعث شده تحقیقات تاریخی به صورت ناقص ارائه شود و ما نتوانیم در مورد مصرف انرژی و استفاده بهینه ایرانیان دوران کهن از انرژی اطلاعات زیادی به دست آوریم. در دوران اسلامی به علت اهمیت محرابها در مساجد، آنها را به شیوه بخاریهای قبل از اسلام و آتشدانهای مقدس بنا نموده‌اند. با دقت و

بررسی در این آثار می‌توانیم به شباهت و علت شباهت این دو مکان در معماری ایرانی پی ببریم. آنچه مسلم است این است که ایرانیان بعد از سالیان دراز با حفظ معماری سنتی خود توانسته‌اند فرهنگ کهن را حفظ نمایند.

متأسفانه در دوران قاجار ایران با تهاجم شدید فرهنگ بیگانه و از بین رفتن معماری سنتی روبه‌رو شد و با پیشرفت این روند امروزه شاهد ساخت بناهایی نامتناسب با اقلیم ایرانی هستیم که برگرفته از معماری کشورهای عربی و گاه اروپایی است. بیشتر از هر قسمت دیگر در بناها شاهد شومینه‌هایی هستیم که در دوران معاصر در آنها قرار گرفته‌اند و نه تنها جنبه کاربردی برای بنا ندارد بلکه به صورت نامتعادل و به عنوان عضوی زائد در بنا وجود دارد (که نمونه‌های آن را در فیلم شعله‌های نامیرا مشاهده می‌کنیم). معماری ایرانی دارای فلسفه بوده و برای هر قسمت از بنا فلسفه خاصی وجود داشته است. اندیشه‌های ایرانی که ناشی از فلسفه کهن ایرانیان بود به بهترین وجه در بناها وجود داشته است و بخاریها به علت ارزش و اهمیت خاص در بنا نه تنها جنبه کاربردی داشته بلکه به صورت سمبل محسوب می‌شده است. بناهایی از دوره‌های مختلف بر جای مانده که در این بناها آثار شومینه‌ها و بخاریهای دیواری و اجاقها موجود است. برخی از این بناها به شرح زیر می‌باشد:

از دوره ایلامیان در چغازنبیل شاهد این‌گونه آثار هستیم. هرچند بخشهایی از آن ویران شده است و معماری بخاریها در ایران سابقه‌ای ۶۰۰۰ ساله دارد.

از دوره هخامنشیان در کنار برج نقش رستم آثاری بر جای مانده است و تخت جمشید و قلعه کنگ دژ از بقایای بخاریهای کهن خبر می‌دهد. از زمان پارتیان می‌توان به کاخ اردشیر اول، کوه خواجه و بناهای کاردان سرای در دوران بعدی اشاره کرد که بازسازی شده‌اند. از جمله آثار برجای مانده از بخاریهای دیواری دوران ساسانیان می‌توان به قلعه دختر، آتشکده نیاسر، قصر شیرین، آتشکده چک چک و آتشکده نوبهار اشاره نمود. در دوران بعدی در کلیساهای آرامنه ایران نیز بخاریهایی موجود بوده است. در قرن ۱۰ میلادی مسجد جامع شیراز و نائین دارای آثاری از بناهای کهن دوره ساسانی است که بقایای بخاریهای دیواری از دوره ساسانی در آن موجود است. در نیمه دوم سده نهم می‌توان به بقعه بایزید بسطامی، برج طغرل، امامزاده جعفر

اصفهان (قرن ۱۱ و ۱۲) اشاره نمود. از زمان غزنویان در چند آرامگاه به صورت اجاقی کوچک موجود است و در دوره بویه‌ها در کاخ عضدالدوله در شیراز و قسمتهایی از مسجد جامع اصفهان می‌توان اشاره نمود. در بنای پیر علمدار، مسجد جامع کاشان، محراب پیربکران، خانقاه نطنز، مدرسه خواجه نظام و مسجد پامنار نیز هنوز آثاری از بخاریهای قدیمی بر جای مانده و در برخی دیگر این بخاریها تغییر کاربردی دارند و حتی با اصلاحاتی به صورت محراب در مساجد درآمده است. از دوران دیلمیان می‌توان به مسجد جامع جورجیر، قلعه تبرک خوراسگان اشاره نمود و تالار تیمور و سردر خانقاه نصرآباد و بقعه شهشهان در اصفهان نیز از زمان تیموریان به یادگار مانده است. در دوران صفویه که دوران شکوفایی مجدد معماری و خصوصاً بخاری‌سازی در بناها بوده است می‌توان به کاخ عالی‌قاپوی اصفهان اشاره نمود. در این کاخ در هر طبقه بخاریهای دیواری وجود دارد که با توجه به جایگاه اجتماعی استفاده‌کنندگان آن دارای تزئینات متفاوتی است (جهت اطلاعات بیشتر در مورد شومینه‌های عالی قاپو به کتاب شومینه‌ها نوشته اینجناب مراجعه شود). کاخ هشت بهشت اصفهان، کاخ چهل ستون، چند کاروان‌سرا در اصفهان و مدرسه لبنان اصفهان نیز از این امر برخوردارند. آثار بسیار متعددی در ایران مرکزی وجود دارد که هنوز بر جای مانده و می‌توان به چند نمونه از آنها در شهر اصفهان اشاره نمود. از جمله این بناهای دارای شومینه می‌توان به خانه انگورستان ملک، خانه چرمی، خانه حاج حسن غفوری، خانه حاج رسولیها، خانه امین، خانه حاج منصورالملکی، خانه داوید، خانه دکتر اعلم، خانه دهدشتی، خانه زورولیان، خانه سرتیپی، خانه سوکیاسیان، خانه شیخ‌الاسلام، خانه شیخ هرنندی، خانه عکاف‌زاده و شریف، خانه قدسیه، خانه کریمی، خانه کهکشان، خانه لباف، خانه مارتاپیترز، خانه وثیق انصاری، خانه یداللهی و مدرسه علمیه اصفهان (مربوط به دوره صفویه) و چندین مدرسه و مسجد در میدان نقش جهان اصفهان را نام برد. از این نوع بناها در استان اصفهان بسیار فراوان است که متأسفانه در اثر بی‌توجهی مسئولین میراث فرهنگی در حال نابودی است. امید است که با همت ایران‌دوستان و مسئولین محترم بتوان این بناهای بی‌نظیر را از نابودی نجات داد و گامی مهم و مؤثر در راه حفظ فرهنگ و سنت ایرانی برداشت. (در مورد جزئیات شومینه‌های

ایرانی در کتاب بخاریهای قدیمی نوشته اینجانب توضیح کامل داده شده است. در برخی مستندات در فیلمی که به پیوست ارسال گردیده موجود می‌باشد).

با توجه به اسناد موجود به صراحت می‌توان بیان کرد که شومینه‌ها متعلق به ایرانیان بوده و ذوق و هنر ایرانی توانسته با مهارت کافی در راه تکامل آن نقش مهمی ایفا نماید. متأسفانه در عصر حاضر با فراموشی فرهنگ کهن و فلسفه وجودی شومینه در منازل به صورت تقلیدی کورکورانه در خانه‌های خود از این عنصر استفاده می‌نماییم که متناسب با فرهنگ و روش زندگی ما نیست. ذوق ایرانی به قدری بالا بوده است که حتی در چیدمان چوب در شومینه‌ها توجه زیبایی‌شناسی هنری داشته و آن را به صورت عمودی در بخاری استفاده می‌کرده است و به همین علت شومینه‌های ایرانی حالت کشیده و بلقه داشته برخلاف نوع اروپایی آن و به غیر از جنبه کاربردی بخاری می‌توان به جنبه تزئینی آن دو بنا نیز اشاره نمود. زیرا ایرانیان جزء معدود اقوامی در جامعه کهن بودند که به تزئین و زیبایی و آرایش آن و توجه به ریزه‌کاریها اهمیت بسیار می‌دادند.